

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران؛ میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۶۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شتر

سه‌شنبه ۸ آبان ۱۴۰۳

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ | اذان مغرب ۱۷:۲۱ | اذان صبح فردا ۵:۰۰ • طلوع آفتاب ۶:۲۵

دغدغه‌های طبیبانه

چهره دلهره‌آور جهان



عبدالرضا ناصر مقدسی

متخصص مغزو اعصاب

نسل من این بخت را داشته است که شاهد اتفاقات بزرگی در سطح جهان باشد. من جنگ سرد را به‌خوبی به یاد دارم؛ تلاش‌های گورباچف برای اصلاحات و درنهایت سقوط اتحاد جماهیر شوروی. تا پیش از سقوط شوروی، جهان جهانی دوقطبی بود. چهره‌هایی مانند فیدل کاسترو، لنین و مانو تسه‌توئگ قهرمانان این جهان دوقطبی بودند. فقط بعدها بود که مشخص شد آنها چه ستمگران و دیکتاتورهایی بودند و چگونه به مردم و کشور خود ضربه زدند. شوروی سقوط کرد و همه ما فکر کردیم که جهانی تازه آغاز شده است. اتحادیه اروپا شکل گرفت و آمریکا به قدرت بی‌منازع جهان بدل شده بود.

اما این هژمونی به‌سرعت تغییر کرد. وقایع ۱۱ سپتامبر و سقوط برج‌های دوقلوی تجارت جهانی نشان داد که آمریکا هم ضربه‌پذیر است. یادم هست دانشجو بودم و بی‌بی‌سی را گرفته بودم تا ببینم که چه بر سر احمدشاه مسعود آمد. طالبان او را ترور کرده بود و معلوم نبود زنده مانده یا نه. اما وقتی بی‌بی‌سی را گرفتم، صادق صبا داشت حرف‌های عجیبی می‌زد. یک هواپیمای به برج تجارت جهانی زده. الان یکی دیگر هم زد. یکی هم در آسمان است و… یعنی چه؟ اصلا نمی‌فهمیدم صادق صبا چه می‌گوید. مدت‌ها گذشت تا بفهمم جهان به معنای واقعی عوض شده است. انکار سقوط پوسته نازک اتحاد جماهیر شوروی سبب سر برآوردن واقعیت‌های جدید سیاسی بود؛ القاعده، طالبان، داعش و…

جهان عوض شده بود و بنیادگرایی قرائت مدرنی بود که داشت بی‌محابا انسان‌ها را می‌کشت و جهان را فتح می‌کرد. کشورهایی با منافع مختلف و گاه متضاد، بسج شدند طالبان، القاعده و داعش را از بین ببرند. القاعده بسیار ضعیف شد، طالبان به کوه‌های افغانستان رانده شد، داعش محدود شد. اما ناگهان دوباره طالبان از خاکستری آنچه آمریکا در افغانستان کرد سر برآورد. عجایب دنیا به اینها محدود نشد. کسی باور نمی‌کرد روسیه به اوکراین حمله کند. همیشه می‌گفتم پوتین افسر کاک. ب بوده و دیده بود که ارتش جماهیر شوروی چطور در باتلاق افغانستان گیر کرد. او می‌داند که حمله به اوکراین به این سادگی نیست. اوکراین کشور وسیعی است و این دامی است که برای او پهن شده است. اما پوتین در این دام افتاد و اکنون بعد از گذشت دو سال آن‌قدر در این جنگ دچار مشکل است که این روزها خبر حضور نیروهای کره شمالی در جنگ با اوکراین را در رسانه‌ها می‌خوانیم. اما این یک سوی ماجراست. همین که اتحادی در قبال روسیه شکل گرفته و کشورهایی چون کره شمالی یا چین این تهاجم روسیه به اوکراین و نابودی و کشتن مردمی را تأیید و تقویت می‌کنند، باز یادآور همان نظام دوقطبی دوران جنگ سرد است؛ با این تفاوت که در کمی آن‌سوتر، یعنی در خاورمیانه نیز جنگی در جریان است که عملا مشروعیت مخالفان پوتین در جنگ با اوکراین را زیر سؤال برده است. آمریکا و سایر کشورها مانند بریتانیا که حامی اوکراین هستند، پشت اسرائیل ایستاده و همان کشتاری را که در اوکراین تقبیح می‌کنند در اینجا تأیید می‌کنند. در دوران جنگ سرد هیچ‌گاه چنین دوگانگی‌ای تا به این حد عیان و روشن نبود و همین هم معادلات را نه‌تنها بسیار سخت می‌کند، بلکه به کشورهای مهاجمی چون روسیه و اسرائیل این امکان را می‌دهد در دایره منافع خود دست به هرکاری بزنند.

از این‌رو حالا که به میانسالگی رسیده‌ام، حس می‌کنم قواعد جهان همان است و انکار بشریت گامی به جلو برداشته و براساس قواعد همیشگی بازی می‌کند. و این موضوع به‌شدت ترسناک و مهیب است.

بامداد شنبه که اسرائیل حمله کرد، ما خواب بودیم و اصلا متوجه آن نشدیم. صبح در مترو پیرمردی کنارم نشستے بود و آهسته پرسید، شما صدای حملات دیشب را شنیدید؟ بعد تصاویری را از موبایلش نشان داد که واکنش پدافند به موشک‌های شلیک‌شده به تهران را نشان می‌داد. می‌گفت که ۴۷ سال خلبان بوده و درباره اقدام دشمن و عملکرد دفاعی ما حرف می‌زد. مردم معلوم بود در موبایل خود دنبال اخبار می‌گشتند. اخبار زیادی از سایت خبر فوری منتشر می‌شد. ولی برای مخاطب قانع‌کننده نبود و دنبال اخبار رسانه‌های بیرونی بودند که ببینند آنها چه می‌گویند.

در پوشش خبری حملات هوایی اسرائیل به اطراف تهران و چند شهر جنوب، اطلاعیه‌های نظامی ارتش خوب تنظیم شده بود و برخلاف واکنش پروپاگاندایی و کم‌تأثیر صداوسیما و رسانه‌های رسمی، در متن رسانه‌ای پدافند هوایی، موضوع حمله به‌خوبی توضیح داده شده بود و مخاطب را قانع می‌کرد. در مجموع این‌بار واکنش رسانه‌ای خوبی را شاهد بودیم.

اطلاعیه قرارگاه پدافند هوایی ارتش، با زبانی ساده، شفاف و مبتنی بر واقعیت، با ارائه اطلاعات دقیق و مستند، به‌خوبی رویداد را تشریح کرد و به سوآلات مخاطبان پاسخ داد. این اطلاعیه در مقابل رویکردهای معمول رسانه‌های رسمی، به‌ویژه صداوسیما که اغلب به دنبال القای روایت‌های از پیش تعیین‌شده و اغراق‌آمیز هستند، می‌درخشد و باید الگویی باشد برای گردانندگان رسانه ملی که در تنظیم و پخش اخبار خود، به شعور مخاطب احترام بگذارند. چسبندگی مخاطب به رسانه در شرایط جنگ و بحران افزایش می‌یابد. مردم در این‌گونه موارد احساس نیاز شدید به اطلاعات دقیق و به‌روز دارند-تا از واقعیت امر مطلع شوند و بتوانند تصمیمات آگاهانه بگیرند و از خود و عزیزانشان محافظت کنند. در یک سال گذشته که جنگ در خاورمیانه شدت گرفته و مردم شاهد وحشیگری‌های تکان‌دهنده ارتش اسرائیل در غزه و لبنان هستند،



قادر باستانی تبریزی

خوشبختانه مردم ما، احساس بحران و ناامنی و اضطراب نکرده‌اند و آرامش برقرار بوده است، ولی در چنین شرایطی رسانه‌ها به عنوان منبعی برای کاهش احساسات ناگوار عمل می‌کنند. پیگیری اخبار بحران، باعث ایجاد حس همدلی با قربانیان و جامعه می‌شود و به افراد کمک می‌کند بر احساسات خود کنترل بیشتری داشته باشند و با واقعیت روبه‌رو شوند.

در شرایط بحران، رسانه‌ها شاهد افزایش چشمگیر مخاطبان خود هستند و مسئولیت اجتماعی سنگینی بر عهده دارند و باید اطلاعات دقیق و موثق را در اختیار مخاطبان قرار دهند و خبرنگاران هم تحت فشار روانی زیادی قرار می‌گیرند. در وضعیت چسبندگی مخاطب به رسانه، مهم‌ترین چالش جامعه، انتشار اطلاعات نادرست است. در فضای مجازی و رسانه‌های اجتماعی، انتشار اخبار جعلی و شایعات به‌سرعت گسترش می‌یابد و می‌تواند باعث ایجاد وحشت و سردرگمی شود. همچنین مخاطبان ممکن است پس از مدتی از حجم بالای اخبار خسته شوند و به دنبال منابع دیگری برای کسب اطلاعات باشند و پیگیری مداوم اخبار، می‌تواند بر سلامت روان افراد تأثیر منفی بگذارد.

امروز در ایران با دو مسئله عمده و مهم مواجه هستیم که نیاز به چاره‌جویی و اصلاح جدی دارد. این دو مسئله، یکی شکاف فزاینده دولت-ملت و دیگری دوجامعه‌ای‌شدن کشور است و در ایجاد و تداوم هردوی آنها رسانه‌های بزرگ، سهم عمده داشته و دارند. فاصله میان دولت و ملت در حدی است که عامه مردم

حقوق خوانی

وکیل کشی محصول چیست؟



محمدهادی جعفرپور

اساسی ملت، همراهی و حضور وکیل در دادرسی است و این اساسی‌ترین و اصلی‌ترین وجه تمایز حرفه وکالت با سایر مشاغل و تخصص‌هاست. حال این پرسش شایان تأمل است که مگر وجود و همراهی وکیل دادگستری واجد چه اوصافی است که داشتن وکیل به‌عنوان حقوق اساسی مردم در اصل ۳۵ آمده است؟ این امتیاز مگر چه امر مهمی را ایجاب خواهد کرد که حتی برای افرادی که



حقوق خوانی

۵۷ هزار کیلو

سنخنگوی کمیسیون توسعه تجارت خانه صمت خبر داده است: «صادرات زعفران در شش‌ماه نخست اسمال ۵۷ هزارو ۱۰۱ کیلوگرم (۵۷.۱ تن) به ارزش ۴۹ میلیون و ۴۶۵ هزارو ۹۶۰ دلار بوده که نسبت به شش‌ماه نخست سال گذشته در وزن ۴۱.۵ درصد و در ارزش ۵۲.۲ درصد کاهش داشته است. متوسط قیمت اظهارشده زعفران در شش‌ماه امسال ۸۶۶ دلارو ۳۹ سنت بود، در صورتی که در شش‌ماهه سال گذشته هزارو ۶۲ دلارو ۷۸ سنت بود.»



یکی از مراسم‌های قدیمی ترکمن‌ها، برگزاری مسابقات کشتی ترکمنی (کشتی یا شال) است که در پایان مراسم غروسی، در محوطه‌ای باز با حضور پهلوانان برگزار می‌شود. این کشتی به نام «گورش» در زبان ترکمنی و به معنی «بیدار» از میراث ناملموس ترکمن‌ها به حساب می‌آید که روش‌های ماندگاری فرهنگ پهلوانی و جوانمردی را در بین طوایف ترکمن ترویج می‌دهد. عکس: راحله حساری، ایرنا

instagram:sharghdaily1 ‏
twitter:sharghdaily ‏
youtube:sharghdaily ‏
Telegram:SharghDaily ‏
aparat:tasvirshargh ‏
www.sharghdaily.com ‏

چسبندگی به رسانه در بحران؛ فرصتی برای بازنگری

احساس همدلی با مقامات ندارند و خود را شریک غم و شادی آنها نمی‌دانند. در شرایطی که حاکمیت با مسائل بسیار جدی و مهم در منطقه دست‌وپنجه نرم می‌کند، افکار عمومی نسبت به آن وضعیت بی‌خیالی و بی‌محلی دارد و این حالت درستی نیست. در بحث دوجامعه‌ای‌شدن هم اقلیتی متمتع از امکانات دولتی و سهمیه و نظایر آن در صحنه هستند. در شبکه‌های مختلف رادیو و تلویزیون، خبرگزاری‌ها، مراسم‌های رسمی و تبلیغات پروپاگاندایی بیلبوردی در شهرهای بزرگ، همه‌جا حضور پرزنگ دارند و اکثریتی از مردم هم انکار در جهان دیگری سیر می‌کنند و بسا علایق و دغدغه‌های کاملا متفاوت و حتی متضاد با آن از خود بروز می‌دهند. جامعه‌شناسان درباره دلایل این امر خیلی توضیح داده‌اند، ولی از منظر رسانه، سازمان صداوسیما مقصر بزرگ ماجرا بوده است.

امروز رسانه ملی به عنوان نماینده صداوسیمای مردم، مسئولیت سنگینی در اطلاع‌رسانی دقیق و بی‌طرفانه دارد. متأسفانه در بسیاری از موارد این رسانه به جای ایفای نقش خود به عنوان پل ارتباطی بین مردم و حکومت، به ابزار برای تبلیغات و پروپاگاندای سیاسی تبدیل شده است. برای بهبود وضعیت موجود، رسانه ملی باید به‌جای روایت‌سازی به خبررسانی بپردازد. وظیفه اصلی رسانه، اطلاع‌رسانی است نه روایت‌سازی. رسانه باید اخبار را بدون جانبداری به مخاطبان ارائه دهد.

به تبعه آرا و نظرات احترام بگذارد. رسانه باید فضایی برای بیان آزادانه نظرات مختلف فراهم کرده و به گفت‌وگوی آزاد بین گروه‌های مختلف اجتماعی کمک کند. دربرابر مخاطبان خود پاسخ‌گو باشد و به سوآلات آنها به‌طور شفاف پاسخ دهد. رسانه ملی باید برای پوشش رویدادهای پیچیده از کارشناسان و متخصصان مختلف کمک بگیرد تا به مخاطبان دیدگاه‌های متنوعی ارائه دهد.
بنا اتخاذ این رویکردها، رسانه ملی می‌تواند اعتماد از دست‌رفته مردم را بازگرداند.

شبکه‌خوانی

برای بقا، نه‌رفاه

ایلنا گزارشی درباره نحوه حمایت دولت از معلولان منتشر کرده که ابعاد حیرت‌انگیزی در آن مشخص شده است.
باور به اینکه اگر دولت بخواهد تمام‌قد از معلولان حمایت کند، در نهایت نیاز است برای هر معلول فقط «یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان» اختصاص دهد. در لایحه بودجه امسال، افزایش ۲۰درصدی مستمری معلولان به چشم می‌خورد. درحال‌حاضر این مستمری ۹۹۳ هزار تومان است که با افزایش ۲۰درصدی آن برای سال ۱۴۰۴ به یک میلیون و ۲۰۰ هزار تومان می‌رسد. این رقم به‌علاوه مبلغ ۴۰۰،۳۰۰ هزار تومان یارانه، درمجموع چیزی حدود یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌شود و مهم‌ترین کمک‌هزینه‌ای است که افراد دارای معلولیت از دولت دریافت می‌کنند؛ کمک‌هزینه‌ای که البته گاهی اوقات هم بخش‌هایی از آن قطع می‌شود!
افزایش ۲۰درصدی مستمری معلولان حتی با برنامه هفتم توسعه هم مغایرت دارد. طبق بند ث ماده ۳۱ برنامه هفتم توسعه، مستمری مددجویان نهادهای حمایتی باید متوسط به میزان ۲۰ درصد حداقل حقوق سالانه باشد. اگر حتی میزان افزایش حقوق سال آینده را ۲۰ درصد در نظر بگیریم، مستمری باید به حدود یک‌میلیون و ۷۰۰ هزار تومان برسد، درحالی‌که برای سال آینده یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار تومان تعیین شده است.

همچنین در بخش دیگر این گزارش آمده است که محاسبات غیررسمی و بسیار حداقلی، سبد معیشت را بالای ۲۵ میلیون تومان تخمین زده‌اند اما افراد دارای معلولیت در بهترین حالت برای سال آینده، اگر مستمری یا یارانه‌شان قطع نشود، چیزی حدود یک‌میلیون و ۵۰۰ هزار تومان –و در صورت اجرای آیین‌نامه کمک‌هزینه معیشتی، افراد دهک سه به بالا جمعاً حدود دو میلیون تومان– دریافت می‌کنند. این رقم، نهایت حمایت دولت از افراد دارای معلولیت است!

بهبروز مروتی، فعال حقوق معلولان، می‌گوید: «ما اکنون برای بقا می‌جنگیم و نه برای رفاه. با افزایش سرسام‌آور هزینه‌ها، مبلغی که دولت برای افراد دارای معلولیت تعیین کرده، آن‌قدر ناچیز است که حتی هزینه حداقلی خوراک این افراد را هم نمی‌تواند بکشد، چه برسد به هزینه‌های واقعی زندگی که بسیار فراتر از این ارقام است.»

پیشخوان

چهارمین شماره دو فصلنامه اخگر منتشر شد

ویرجینیا وولف به عنوان نویسنده‌ای مدرن و فمینیست شناخته شده است و آثار زیادی درباره او و جایگاهش قابل دسترس است. در این شماره اخگر از منظری دیگر به این نویسنده و جایگاهش پرداخته شده است. تلاش‌های سیاسی و اجتماعی او، مساهمت او در مقابله اندیشمندان مدرنیست با مردسالار، فاشیسم و سرمایه‌داری را مورد توجه قرار داده است. در مقاله «خطرات اتحادیه زنان کارگر» به تحول‌گرش وولف درباره تصویر مسائل طبقاتی اشاره شده و به همکاری او با مارگارت لولین دیویس، دبیرکل اتحادیه تعاونی زنان، اشاره و از تلاش‌هایی که برای تغییر جایگاه زنان انجام شده، مانند تلاش برای حق طلاق، دستمزد برابر و تحصیل زنان خانه‌دار، یاد شده است. برج کج، صنعت‌گری از مقالات وولف است. همچنین مقالاتی نظیر «اندیشیدن به گذشته از طرق مادرانمان»، «رحمت، فکر و کار نویسندگی» و «ترکیبات هیولایی» از دیگر آثار منتشرشده در این نشریه است. پیوست تصاویر، مقاله آتی از تی‌اس الیوت درباره ویرجینیا وولف در بخش‌های دیگر این نشریه آمده است.

مدیرمسئول این مجله مهدی محمدیان کبریا و سردبیر آن «میرسعید نیک‌زاد» است. این مجله عمومی با رویکرد وحدت علوم انسانی به صورت مستقل و بی‌هیچ کرایش سیاسی منتشر می‌شود و بیشنی انتقادی دارد و درعین‌حال معتقد به فضای گفت‌وگوست. این شماره نشریه در ۲۱۲ صفحه و با قیمت ۲۰۰ هزار تومان به چاپ رسیده است.



زهره جعفری، مدیر کل امور زنان، درباره میزان بودجه زنان در تهران گلایه کرد و گفت: «این استان با این گستره دارای ۱۶ فرمانداری است و حدود یک‌پنجم ظرفیت کشور را در خود جای داده است، اما تخصیص اعتبارات استان تهران در کنار بعضی از استان‌های دیگر که ظرفیت آنها یک‌دهم ظرفیت جمعیت استان تهران است، قرار می‌گیرد. یک استان با دو میلیون نفر جمعیت یک میلیارد تومان و تهران با بیش از هفت میلیون زن هم یک میلیارد تومان بودجه برای بانوان دریافت می‌کند.»